

سوریه و واقعیت تنش روابط بین ترکیه و رژیم یهود

شبکه ۱۲ عبری در تاریخ ۲۵ مارس ۲۰۲۵ فاش کرد که نتانیاهو مشورت‌هایی امنیتی را برای بررسی نگرانی‌ها درباره گسترش نفوذ ترکیه در سوریه برگزار کرده است و او در تلاش است تا رویارویی با آنکارا را اجتناب‌ناپذیر جلوه دهد. خبرگزاری رویترز نیز در تاریخ ۲۷ مارس ۲۰۲۵ به نقل از منابع سوری و خارجی گزارش داد که انتظار می‌رود رئیس‌جمهور سوریه، احمد الشرع، با همتای ترک خود، اردوغان، توافق‌نامه‌ای را امضا کند که بر اساس آن، ترکیه اجازه می‌یابد دو پایگاه در منطقه بیابانی گسترده در مرکز سوریه موسوم به بادیه تأسیس کند. روزنامه الشرق الأوسط نیز در همان تاریخ به نقل از منبعی در وزارت دفاع ترکیه تأیید کرد که ترکیه در راستای مطالبات دولت جدید سوریه، در حال بررسی ایجاد یک پایگاه آموزشی برای تقویت توانمندی‌های ارتش سوریه است.

رژیم یهود، همان‌طور که نخست‌وزیرش اعلام کرده، در حال ترسیم نقشه خاورمیانه جدید است و می‌خواهد بر منطقه، از جمله سوریه، سلطه یابد و نقش فرمانده و تصمیم‌گیرنده را ایفا کند. این رژیم توافقنامه سال ۱۹۷۴ را نقض کرد، در جولان پیشروی کرد، به درعا و حومه دمشق رسید و کوه شیخ را اشغال کرد. همچنین یک میلیارد دلار بودجه برای فعالیت‌های خود در سوریه اختصاص داد، حمایت خود را از دروزی‌ها در سوریه اعلام کرد، با آن‌ها ارتباط برقرار کرد و به آن‌ها کمک‌هایی رساند. افزون بر آن، حمایت خود را از جدایی‌طلبان اعلام کرد. در پی این اقدامات، موضوع گسترش نفوذ ترکیه تا منطقه بادیه مطرح شد که به نوبه خود باعث تنگ‌تر شدن عرصه بر شورشیان می‌شود.

دولت جدید سوریه ناتوانی خود را در برابر رژیم یهود آشکار کرده است. این دولت جهاد را اعلام نکرده و بر الله سبحانه و تعالی توکل نورزیده، درحالی‌که مردم سوریه مسلح بوده و طی ۱۳ سال با جنگ آشنا شده‌اند و آمادگی ادامه مبارزه تا بیرون راندن رژیم یهود از جولان و پیشروی به سوی آزادسازی فلسطین را دارند؛ اما سران شکست‌خورده نظام جدید به دنیا و ستمگران تمایل نشان دادند، چنان‌که رئیس آن احمد الشرع گفت: سوریه فرسوده است و خواهان جنگ نیست که این سخنان روحیه ملت را نابود کرد و پشت سوریه را در برابر یهود آشکار نمود و نشان داد که ناتوان و عاجز از مقاومت است، امری که رژیم یهود را نسبت به آن طمع‌ورزی کرد. علاوه بر آن، اظهارات وزیر خارجه و استاندار دمشق حاکی از آن است که سوریه خواهان صلح با رژیم یهود است.

آمریکا نمی‌خواهد که رژیم یهود هرچند که دست‌پرورده‌اش باشد، از سیاست‌های آن سرپیچی کرده و باعث برهم خوردن نظم منطقه شود و بر آن سیطره یابد؛ بنابراین، باید این رژیم را مهار کند و سران جدید سوریه نیز مطیع دیکته‌های آمریکا هستند. از اینجاست که بحث درباره گسترش نفوذ ترکیه در سوریه و تأسیس پایگاه‌های جدید و آموزش ارتش سوریه مطرح شده است. ترکیه تنها با اجازه آمریکا می‌تواند دست به تحرک بزند، چنان‌که در سال ۲۰۱۶ نیز با چراغ سبز آمریکا وارد سوریه شد و حضور کنونی‌اش نیز با رضایت آن کشور است.

نظام ترکیه از نخستین نظام‌هایی بود که در سال ۱۹۴۹ رژیم یهود اسرائیل را به رسمیت شناخت و این رابطه را تا به امروز حفظ کرده است تا نشان دهد که بخشی از جهان غرب است و اینکه نظامی سکولار و ملی‌گراست که اهمیتی به آنچه بر سر مسلمانان در منطقه می‌آید نمی‌دهد و تنها به محکوم کردن و اجازه دادن به تظاهرات جهت تخلیه هیجانات اکتفا می‌کند. گاهی جنایات رژیم یهود را محکوم می‌کند و گاهی سطح روابط دیپلماتیک را کاهش می‌دهد، اما با وجود همه جنایات‌ها، این روابط را حفظ می‌کند.

پس تکیه کردن بر نظام ترکیه، قماری است پرخطر به دو دلیل اصلی: اول اینکه نظامی سکولار و ملی‌گراست که منافع اسلام و مسلمانان را دنبال نمی‌کند بلکه تنها منافع ملی خود را در نظر دارد. دوم اینکه به غرب وابسته است و در مسیر آن، چه شاخه آمریکایی و چه شاخه اروپایی‌اش، حرکت می‌کند؛ همان‌گویی که رژیم یهود را به وجود آورد و از آن حمایت می‌کند. زمانی که ترکیه در مدار بریتانیا حرکت می‌کرد، از تجاوز سه‌جانبه به مصر در سال ۱۹۵۶ حمایت کرد و با رژیم یهود قراردادهای متعددی در تمام زمینه‌ها امضا کرد، با وجود اشغال فلسطین از جمله قدس و آزار و اذیت مسلمانان ساکن آن و کوچاندن آن‌ها و زمانی که در دوران اردوغان در مدار آمریکا قرار گرفت، به همین روند ادامه داد و حتی به مردم غزه خیانت کرد، درحالی‌که تظاهر به حمایت از آن‌ها می‌کرد و آن‌ها نیز به او اعتماد کردند؛ اما دیدیم چه بر سرشان آمد و حتی یک سرباز برای نجاتشان نفرستاد و حتی یک گلوله برای یاریشان شلیک نکرد، چراکه به دستورات آمریکا پایبند بود.

او به مردم سوریه نیز خیانت کرد، زمانی که با روسیه و ایران بر سر کاهش تنش توافق کرد و شورشیان را در ادلب محصور کرد و فریبشان داد و آن‌ها را از حلب بیرون کرد و این شهر را تحویل روسیه و رژیم داد. او به همراه آن‌ها مسئول خون‌هایی است که ریخته شد. او برای آشتی دادن دیکتاتور بشار اسد با مخالفان و اجرای قطعنامه آمریکایی ۲۲۵۴ تلاش کرد؛ اما بشار اسد فریب این مسئله را خورد که آمریکا هنوز از او حمایت می‌کند، به‌ویژه پس از آنکه عربستان و کشورهای عربی او را آشتی دادند و به نشست خود در جدّه در تاریخ ۱۹ مه ۲۰۲۳ و همچنین به نشست عربی اسلامی در ریاض در تاریخ ۱۱ نوامبر ۲۰۲۴ دعوت کردند تا او را تشویق کنند با مخالفان مصالحه کرده و قطعنامه آمریکا را اجرا کند؛ اما او این مسئله را درک نکرد و به دعوت‌های اردوغان نیز بی‌توجه ماند، فراموش کرده بود که دوست قدیمی‌اش اردوغان فقط با اشاره آمریکا حرکت می‌کند. پس خواستند با ایجاد فشار از طریق تسلط شورشیان بر همه مناطق ادلب، او را وادار کنند؛ اما مردم سوریه از این فرصت استفاده کردند و تا دمشق پیشروی کردند، بنابراین ترکیه، آمریکا و دیگران ناچار به پذیرش واقعیت شدند. در نتیجه، ترکیه و طرف‌های دخیل نشستی در قطر برگزار کردند تا اطمینان یابند که بشار اسد سالم خارج خواهد شد و افرادی را جایگزین او کنند که وابسته به ترکیه باشند، به رهبری جولانی که از او فرمان می‌برند و پشت سر او نیز آمریکا قرار دارد.

رژیم یهود (اسرائیل) تنها به این بهانه در منطقه تأسیس نشد که یهودیان در اروپا مورد ظلم و آزار قرار گرفته‌اند تا در فلسطین ساکن شوند، بلکه هدف اصلی از ایجاد آن، تبدیل آن به پایگاهی پیشرفته برای قدرت‌های غربی در قلب سرزمین‌های اسلامی بود. این همان ایده‌ای بود که وینستون چرچیل، نخست‌وزیر بریتانیا، پشت آن قرار داشت و آن را پرورش داد و استقرار بخشید؛ تا زمانی که قدرت بریتانیا افول کرد و آمریکا به قدرت مسلط بدل شد و آن ایده را در آغوش گرفت و رژیم یهود را با تمام امکانات ممکن برای بقا، پشتیبانی و تقویت کرد. از همین‌رو، نظام‌های موجود در سرزمین‌های اسلامی که غرب آن‌ها را به وجود آورد، خود را موظف به حفاظت از رژیم یهود دانسته‌اند و بیشترین کاری که ممکن است انجام دهند، درخواست اجرای طرح دو دولتی آمریکاست که رژیم یهود را بر بیشتر سرزمین فلسطین تثبیت می‌کند و تنها بر بخش اندکی از آن، دولتی به نام فلسطین برای مردم آن باقی می‌گذارد.

رژیم یهود تنها تهدیدی برای مردم فلسطین از نظر قتل‌عام و کوچاندن آنان نیست، بلکه تهدیدی برای کل منطقه است تا حدی که به ترکیه نیز می‌رسد که خود می‌داند رؤیای رژیم یهود «از نیل تا فرات» است. با این حال، ترکیه هرگز به فکر ورود به جنگ با آن نیست. ارتش آن در پایگاه‌هایش در سوریه مستقر است، اما حتی یک‌قدم برای بیرون راندن یهودیان اشغالگر بر نمی‌دارد، درحالی‌که آن‌ها اعلام می‌کنند که در سرزمین‌هایی که اشغال کرده‌اند باقی خواهند ماند، بلکه احتمالاً آن را گسترش خواهند داد.

مردم سوریه سال‌ها با رژیم جنگیدند و یک میلیون شهید تقدیم کردند، آواره شدند و خانه‌هایشان ویران شد و به فضای جنگ عادت کردند، بنابراین باید به نبرد خود علیه یهود ادامه دهند. آن‌ها دارای عمق استراتژیک بسیار بیشتری نسبت به غزه‌ی مقاوم هستند: اردن، الانبار، لبنان، آناتولی و دریا. نباید به رژیم ترکیه یا هیچ‌کس دیگری تکیه کنند، چراکه آنان را خواهد فروخت همان‌گونه که در سال‌های انقلاب آن‌ها را فروخت و به آن‌ها خیانت کرد. باید تنها بر الله سبحانه و تعالی یاری‌گر توکل کنند و برای اجرای اسلام اعلام آمادگی نمایند و از افراد مخلص و آگاه سیاسی که با الله سبحانه و تعالی و رسول الله صلی الله علیه و سلم و مؤمنان صادق بوده‌اند کمک بگیرند تا خلافت را اعلام کنند و قانون اساسی آن را که از کتاب الله سبحانه و تعالی و سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم استنباط شده، اجرا نمایند.

برگرفته از شماره ۵۴۱ جریده الرایه